

نشانه های قوم گرایی در اسلام قومی و قبایلی  
یک مطالعه بشرشناسی فرهنگی

دکتور محمد فرید یونس

در مقاله «منشاء زن سنتیزی در اسلام» آموختیم که اسلام امروزی مانند نُقل کمبار، زیر بنا قوم گرایی است و روکش آن اسلام است و این باعث نه تنها بدبختی طبقه نسوان شده است بلکه باعث عقب گرایی همه مسلمانان شده است. یک دلیل عمده از نگاه بشر شناسی و جامعه شناسی که مسلمانان امروز، مردم عقب مانده، متعصب، تنگ نظر و غیر مدنی هستند قوم گرایی و قوم پرستی است.

دین اسلام از نگاه جامعه شناسی آمد تا مردم متمدن شوند، با اخلاق شوند و با همدیگر به عدالت رویه داشته باشند. اما متأسفانه در کشور های اسلامی قصاداً و با برداشت غلط از قرآن و سنت پیامبر، مسیر اصلی اسلام را تغییر خورد و آن اصل که محمد (ص) به بشریت پیشکش کرده بود به بیراهه کشانده شد.

درین مقال نشانه های قوم گرایی را در اسلام قوم گرایان در رابطه با اساس قرآن، سنت و حدیث پیامبر (ص) در جامعه مسلمان امروز مورد بررسی قرار میدهیم و کوشش می‌کنیم که یک فهرست موضوعی در اختیار شما قرار دهیم تا شما خود را و ماحول خود را بشناسید، فکر کنید، تعقل کنید و اگر می‌توانید خود را ازین بدبختی نجات دهید. زیرا قوم گرایی انتی تَر مدنیّت گرایی است و اوئیکه قوم گراست مدنی نیست. وقتی که مدنی نیست هنوز هم در یثرب و با افکار یثربی زندگی میکنند نه در مدینه و با افکار مدنی حتی که پروفیسور و عالم دین باشد.

قوم گرایی یک روحیه است. مربوط یک قوم خاص، نژاد خاص، مذهب خاص، زبان خاص نیست. تحصیل یافته و بی تحصیل، شیعه و سنی، دارا و نادار، خطیب مسجد، عالم و عابد، بنوحی از انحاء که خودشان معترف نیستند همه و همه با اینکه مسلمان هستند و می‌دانند که اسلام قوم گرایی را محکوم میکند، غرق قوم گرایی هستند و مذهبی آن را توجیه دینی میکنند. جالب این جاست که از نگاه سوسیو-سیکولوژیک یعنی رابطه جامعه شناسی با روانشناسی، یک عده خود آگاه قوم گراست و یک عده نا خودآگاه. آنائیکه خود آگاه قوم گرا هستند، قوم برای‌شان از دین مهمتر است. منافع خود را در بقای قوم می‌بینند. آنائیکه ادعای اسلامیت می‌کنند زیاد تر درین روحیه شامل هستند یعنی قوم گرای دینی زیاد تر است. دوم اینکه جرأت نتوانستند تا در مقابل قوم گرایی مبارزه کنند و مانند ماش لولیدند و زیاد تر منافع سیاسی و قومی شان مطرح بوده است. آنائیکه ناخود آگاه قوم گرا هستند دو حالت دارد: اول اینکه بی‌سواد است و زیر تاثیر ملای مسجد است و دوم اینکه سطح رهبری جامعه طوری بوده است که قوم گرا نا خود آگاه فکر میکند که همین‌طور باید باشد و بدیل دیگری وجود ندارد. قوم گرایی جزء فرهنگ او شده است بدون اینکه خودش متوجه باشد. طور مثال شما شنیده باشید که در زمان نکاح فلانی دختر خود را به فلان شخص داد. شما نه می‌شنوید که دختر فلانی، فلانی شخص را گرفت که حق مشروع یک دوشیزه خانم است. مشکل مسلمانان این است که زیر نام دین و سنت اکثراً قوم گرا هستند در حالیکه دین قوم گرایی را محکوم میکند و اولین مبارزه اسلام از نگاه جامعه شناسی بر علیه قوم پرستی بود. بعد از خلفای راشدین قوم گرایی به شکل اساسی آن ظهور کرد و وقتی که علماء ظهور کردند، آن‌ها قسماً مجبور شدند تا مراتب را طوری تشریح کنند تا منافع قوم استوار باشد. مذهب منافع خود را در بقای قوم دید و قوم منافع خود را در بقای مذهب. طور مثال وقتی به تاریخچه اصول فقه رجوع می‌کنیم علماء کفوه را به اساس طبقات اجتماعی تعریف کرده‌اند. در حالیکه کفوه تنها در دین است و اسلام طبقات اجتماعی را چنانچه در مطالعات جامعه شناسی می‌بینیم، به رسمیت نه می‌شناسد. اسلام جمیع مردم را به تقوی می‌شناسد و یگانه طبقه اجتماعی که در جامعه برتری دارد علماء هستند و بس. بزرگترین همدستی قوم و مذهب در شبه جزیره عرب که امروز عربستان سعودی نام دارد به وقع پیوست که وهابی ها دست خود را با سعودی ها برای قدرت سیاسی و مذهبی یکی کردند. مردم امی در کشور های اسلامی قربانی همین ازدواج غیر مشروع مذهب و قوم شده است و جالب اینکه این روش به دیگر کشور های اسلامی یک نمونه برای استثمار مردم توسط گروه مذهبی و قومی اسلام آمد و مردم وحشی عرب را که همه در جنگ و نزاع بودند و هر روز همدیگر را می‌کشتند، یک امت واحد ساخت. درین مورد قرآن مجید گفت .

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ (حجرات آیه دهم) یعنی مومنان باهم در دین خواهر و برادرند. مفسرین قوم گرای عرب در تفسیر این آیه خواهران را کشیده‌اند و تا امروز همه خود را خاموش گرفته‌اند. کلمه «أخوة» را وقتی از نگاه لغت تجزیه و تحلیل کنیم از مصدر «أخ» برای مرد و «أخت» برای زن مشتق شده است. آیه چنین تفسیر می‌شود که در بالا نوشتیم. «مومنون» هم درین آیه مسلمانان معنی میدهد نه تنها مردان مسلمان. یعنی مردان و زنان مسلمان. پس هر کسی که اسلام را قبول کرده است در دین با هم خواهر و برادر است نه در خون. یعنی در اسلام برادری در دین مهم‌تر و بالاتر است نسبت به برادری در خون زیرا اسلام روابط زیست با همی را یک مسأله فکری و عقلانی می‌بیند نه خونی

برادری و خواهری در دین آن است که همه روابط جامعه به اساس ایمان به خدا استوار است و منافع شان و ضرر شان با هم یکی است. خواهر و برادر در دین هیچ وقت نظر بد به همدیگر نه می‌داشته باشند. غیبت همدیگر را نه می‌کنند. اگر کمک (در چارچوب توان) بتوانند به همدیگر کمک می‌کنند. هیچ یک از همدیگر.. برتری ندارد به جزء از تقوی و دانش

مرد و زن مسلمان می‌توانند آزادانه از همدیگر برای نکاح خواستگاری کنند. اما نظام قومی و قبیایلی عرب این حق مسلم زن را از او گرفت و اگر یک زن خواستگاری کند در فرهنگ قبیایلی او را شدید محکوم میکنند. نه تنها حق خواستگاری را از زن گرفتند حتی حق انتخاب شوهر را هم از او گرفتند و چنین گوشزد کردند که دختر و زن خوب آن است که به دلخواه پدر و مادرش شوهر بگیرد. نتیجه اینکه مسلمان قوم گرا احساس نصف جامعه را که زن و دختر باشد هم گشت. نظام قوم گرا و ملای قوم گرا اجازه نه میدهد که زن در عقد نکاح خودش حاضر باشد زیرا آنرا تنگ میدانند. در حالیکه حضرت بی بی فاطمه زهرا دختر گرامی و دانشمند رسول کریم (ص) در عقد نکاح خودش در مقابل پدر بزرگوارش نشسته بود

در آیهٔ چهل و نهم سوره حجرات میخوانیم: تفسیر آیه، ”ای مردم همانا ما شما را از یک مرد و یک زن آفریده ایم و شما را به هیأت اقوام و قبیایلی در آوردیم تا با یکدیگر انس و آشنایی یابید، بیگمان گرامی ترین شما در نزد خداوند پرهیزگار ترین شماست؛ که خداوند دانای آگاه است“ آیهٔ مذکور از نگاه اجتماعی، سیاسی و خانوادگی حائز اهمیت فراوان است که تقوی را معیار انسانیت قرار میدهد. اما در همه کشور های اسلامی آنانیکه از نگاه قومی و یا زبانی و نژادی در اکثریت هستند و یا خود را در اکثریت قلمداد کرده‌اند بدون اینکه آمار دقیق نفوس وجود داشته باشد این آیه را انکار میکنند و موضوع اکثریت و اقلیت را مطرح میکنند. در حالیکه از نگاه جامعه شناسی اسلامی در یک کشور مسلمان اکثریت و اقلیت وجود ندارد زیرا همه مسلمان هستند حتی که مذهب شان متفاوت باشد. همه به خدای واحد، قرآن کریم و رسالت پیامبر (ص) اعتقاد کامل دارند. در جامعهٔ مسلمان، مسلمان و غیر مسلمان است نه اینکه اکثریت و اقلیت باشد. و اوئیکه مسلمان نیست چون اسلام دین بشریت است پس به گفتهٔ حضرت علی (رض) در خلقت برادر ماست زیرا ما همه اولاد آدم هستیم. و قرآن می‌گوید به نسل آدم کرامت دادیم نه اینکه تنها به نسل مسلمان کرامت داده باشد. با اینکه قرآن می‌گوید امت اسلام بهترین امت است و این به خاطر تقوی، علم و دانش و عدالت مسلمان است که امروز متأسفانه در اثر قوم گرایی نه تقوی و نه علم و نه عدالت وجود دارد

قوم گرایان قیافه های گوناگون دارند. در کنار لباس های فرهنگی یک کشور دریشی دار و نکتایی دار هم است و شما باید به قیافه ظاهری او بازی نخورید. مذهبیون هم، نباید به عبا و قباى شان فریب خورد. قوم گرای دریشی دار و قوم گرای مذهبی دست شان با هم بسته است ازینرو اکثریت جامعه را تشکیل میدهند. در جهان اسلام. بسیار تعداد اندک است که مذهبی باشد و قوم گرا نباشد. همچنان آنانیکه حتی مسلمان زاده شده‌اند و اما امروز به اسلام اعتقاد ندارد و خود را روشن فکر می‌گوید، زیر تأثیر افکار قومی و قبیایلی قرار گرفته است زیرا قوم گرایی به حیث یک روحیه اجتماعی عرض اندام کرد. بعضی وقت می‌شنویم که فلان شخص در خارج تحصیل کرده است و هنوز هم قوم گرا است. مردم ساده دل نه می‌دانند که کشور های غربی ناسیونالیزم را به وجود آوردند. قوم گرا وقتی یک آلمانی و آمریکایی را می‌بیند که یک ناسیونالیست است، وقتی به کشورش بر میگردد قوم گرایی اش دو چند میشود

حالا می‌رویم که چطور شما قوم گرا را می‌توانید تشخیص کنید

قسمیکه گفتیم قوم گرا به دختر خود اجازه نه میدهد تا همسر خود را انتخاب کند زیرا دختر را ملکیت خود می

داند. بعضی شان که در دین با سواد تر هستند امکان دارد که از دختر در مورد نکاح او پرسان کرده باشند و اما در وقت نکاح دختر قوم گرا یعنی عروس حضور ندارد. نکاح از نکاح آمده است. نکاح یعنی قرار داد و پیمان معنی میدهد. در نکاح قوم گرا از جانب قرار داد کنندگان، یکی که مرد باشد حضور دارد و زن خودش حضور ندارد و داستان وکیل را به میان آورده اند. هیچ حدیث در مورد نیست که زن در نکاح خود حضور نداشته باشد اگر یک جوان قوم گرا یک دختر را دوست داشته باشد کوشش میکند تا او را از آن خود کند. هرگز این فکر را نه می‌کند که آن دختر هم او را خوش دارد یا خیر؛ زیرا برای قوم گرا احساس انسانی دختر مطرح نیست. تنها احساس خودش مطرح است. با کمال تأسف اکثریت دختران جوان را به همین منوال نکاح کرده‌اند و خوشی دختر مطرح نبوده است

در نظام قوم گرایی اگر شما با یکی از اعضای خانواده یک مشکل پیدا می‌کنید جمیع خانواده با شما قطع و برید می‌کنند. یا اگر با یک نفر در اجتماع مشکل دارید همه طرفداران او با شما مشکل خواهند داشت. زیرا در نظام قومی و قبایلی عدالت فردی و اجتماعی هیچ وقت مطرح نیست در حالیکه قرآن می‌گوید در امور دیگران تجسس نکنید. بر عکس، قرآن حکم می‌کند که شما صلح را بین مسلمین پایدار کنید و اما در جامعه قومی و قبایلی به خاطر منافع شخصی رویداری‌ها، و دوستی‌ها صلح آمده نه می‌تواند زیرا قوم گرایی با صلح سازگار نیست. ، قوم گرایی یعنی جنگ، انتقام، کشتن مردم بی‌گناه، و بدل گرفتن

قوم گرا به زن حقوق قابل نیست و دوست ندارد زن در جامعه باشد. در مهد تمدن اسلامی امروز کشور سعودی مرکز عمده قوم گرایی است. زنان جزئی ترین نقش ندارند. در بعضی از کشورهای اسلامی که یک عده زنان شامل کار و مصروفیت های اجتماعی هستند به فشار کشورهای خارجی و اینکه بعضی شرایط را باید قبول کنند تا تمویل مادی شوند خال خال زنان را در نظام دخیل ساختند. در گذشته هم همینطور بود و حقوق زن از پایتخت کشور اسلامی زیاد تر پیشرفت نکرد در حالیکه در صدر اسلام زن نقش مساوی به مرد در تمدن اسلامی داشت. ایران هم حقوق زنان را به نام دین و فقه پایمال کرده است و با مردان یکسان نیستند. راه انتخاب برای زنان بسته است

قوم گرا هرگز از حق دفاع نه میکند. پس نباید از قوم گرا و یا جامعه قبایلی توقع عدالت داشت. در حالیکه قوم گرا خوب حق را می‌داند که چه است و اما هرگز اعتراف نه می‌کند. قرآن می‌گوید حق را بگویند و از باطل پرهیز کنید. در نظام قوم گرایی حل مشکل نه می‌کنند و اما میخواهند زود روی یک مسأله خاک انداخته شود. حتی تحصیل یافته قوم گرا از بسیاری مسایل با خبر است و اما چون با قوم گرایی خمیر شده است نه میخواهد حقیقت را بگوید و یا از حق دفاع کند

قوم گرایان به بهانه اینکه مردان در گناه نشوند، زنان را در مساجد در یک اتاق جداگانه که خیلی ضیق و تاریک است جای داده‌اند در حالیکه سنت است که زنان در عقب مردان نماز ادا می‌کنند و تحصیل یافته هم این را میداند و اما چون روحیه قوم گرایی دارد خاموش است

قوم گرا به آزادی بیان و کلام اعتقاد ندارد و باید همان چیزی را شما بگویند که برای شما املا می‌شود. اگر از خود چیزی گفتی؛ اگر مسایل سیاسی باشد خاین هستی و اگر دینی باشد کافر هستی در حالیکه قرآن به ما علم بیان و علم قلم را آموخت و به ما گفت که فکر کنیم و تعقل کنیم. مذهبی قوم گرا و سیاسیون قوم گرا آرزو ندارند که شما خلاف منافع شان چیزی بنویسید یعنی آزادی فکر برای شان مطرح نیست. خوش دارند شما مانند گوسفند باشید. بار بار مذهبیبون قوم گرا، نکتایی دار و بدون نکتایی، در تلویزیون ها گفته اند که کسی حق ندارد از خود چیزی بگوید. آن‌ها نه می‌خواهند شما یک انسان باشید. آرزو دارند به نوق آن‌ها مسلمان باشید در غیر آن مسلمان نیستید

شوهر قوم گرا زن خود را کنترل میکند زیرا قوم گرا به عقل زن خود اعتماد ندارد. همچنان چون برای قوم گرا زن یک ننگ است نام او را در حضور دیگران یاد نه می‌کنند و واژه‌های مانند مادر اولاد ها، مادر فلانی جان، عیال و برای اولاد «حیوانک‌ها» می‌گوید، زیرا قسمیکه گفتیم کرامت انسانی برای قوم گرا مطرح نیست. اما اگر یک خارجی نام همسرش را پرسان کند فوراً نام همسرش را با طرز نوشتن آن برای خارجی هجی می‌کند. جالب این است که قوم گرای مذهبی اسمای زوجات مطهرات را با دهن ناپاک خود، اجازه میدهد بگوید و

اما اسم زن و دختر خود را ننگ میداند که به زبان آرد.

قوم گرا بسیار خارجی پرست است و همیشه دستش با خارجیان برای منافع سیاسی شان بسته است. مثال های عمده در تاریخ اسلام زیاد است که قوم گرایان مسلمان دست خود را با انگلیس و فرانسوی و امروز آمریکایی و حتی اسرائیلی یکی کردند و باعث از بردن نه تنها پادشاهان بلکه امپراطوری ها شده‌اند و این روند ادامه دارد وقتی که یک نامه خصوصی باشد و یا غیر خصوصی باشد برای همسر قوم گرا در پوسته برسد، قوم گرا فوراً بدون اجازه همسر اش آنرا باز می‌کند و می‌خواهد بداند که برای همسر اش چه آمده است بدون اینکه اجازه خواسته باشد

قوم گرای مذهبی امروز از اهل تسنن زیاد تر پیرو و هابی هاست و از همین سبب مخالف فرهنگ و تاریخ است و یک حدیث جعلی را نقل قول میکند تا شما را به ضد فرهنگ هزار ساله کشور تحریک کند. مجسمه های بامیان که افتخار تاریخ و باستانشناسی کشور بود توسط افکار و هابی از بین رفت نه مذهب حنفی و یا جعفری و یا افغانان که از قرن دوم این آثار را داشتند. جالب اینکه ملا و هابی هرگز نه می‌خواهد فکر کند که امام ابوحنیفه که ملقب به امام جهان است در موارد فرهنگی ما جزیی ترین تبصره و یا انتقاد نکرده است و اما امروز ملای و هابی قومی همه چیز را کفر و بدعت می‌گویند مانند نوروز و سال نو و غیره

مذهبی قومی به تحقیقات جدید اعتقاد ندارد. به همین دلیل است که کشور های اسلامی به جزء از ایران که آنهم درین سی سال گذشته به وقوع پیوسته است، در تحقیقات جزیی ترین علاقمندی ندارد. محمد ابن عبدالوهاب که وهابیت را روی کار آورد همه مطالب ساینس و فرآورد های عصر جدید را بدعت می‌شمرد. نتیجه اینکه عربستان سعودی با همه سرمایه و ثروت از پس مانده ترین کشور های جهان در راستای ساینس و تکنالوژی است. بعضی کار های نمایشی به کمک آمریکا دارند که به روی مردم خاک باشند

وقتی قوم گرا در موتر می‌نشیند چون با فرهنگ مرد سالاری قومی بزرگ شده است، اگر مادر و پدرش با او باشد، پدر را در چوکی جلو موتر می‌نشانند و مادر را در چوکی عقبی در حالیکه از رسول خدا پرسیدند از کار ها چه فاضل سه بار جواب داد احترام مادرت

در کشور های اسلامی امروز معیار تقوی، خبره گی و دانش و علمیت نیست. بزرگی در قوم است، حتی که یک انسان نادان باشد. در کشور ما افغانستان حتی پارلمان کشور را نام قومی داده اند. به جای مجلس نمایندگان یا دانشمندان ما کلمه ”مشرانو“!! یعنی بزرگان را استفاده می‌کنیم

خانواده قومی همیشه بین پسر و دختر تبعیض می‌کند و پسران را زیاد تر اهمیت می‌دهند نسبت به دختران. در حالیکه قرآن بین زن و مرد تبعیض نکرده است و رسول خدا فرموده است که خداوند اگر به کسی سه دختر دهد راه بهشت خواهد بود

چون مرد قومی زن را ملکیت خود می‌داند بعد از نکاح نام خانوادگی زن را تغییر میدهد در حالیکه اسلام می‌گوید که کسی حق ندارد نام پدری دختر را تغییر دهد

قوم گرایان به مذاکره و تفاهم اعتقاد ندارند. همان چیزی که می‌گویند باید شود در حالیکه اسلام مشوره را معیار روابط عامه و خانواده قرار داده است. در نظام قومی و قبایلی از زور و خصومت و شدت و انتقام کار می‌گیرند قوم گرایان به اساس یک حدیث جعلی برای تولدی پسر دو گوسفند ذبح می‌کنند و برای تولدی دختر یک راس گوسفند

در حالیکه پیامبر کریم فرموده است که حتی در بوسیدن فرزندان تان از مساوات کار گیرید

خانواده قوم گرا همیشه در امور فرزندان شان مداخله می‌کنند زیرا به استقلال عمل فرزندان خود اعتقاد ندارند

قوم گرایان چون به تقوی اعتقاد ندارند زیاد تر به نام پدر و پدر کلان و پسر فلانی خان و نوه فلانی خان می‌نازند در حالیکه امکان دارد پدر کلانش یک وطن فروش بوده باشد

قوم گرایان حق طلاق را از زن گرفته‌اند در حالیکه اسلام به زن حق طلاق را داده است که آنرا خلع گویند. زن هر وقت بخواهد می‌تواند طلاق گیرد

به مجردیکه یک قوم گرا فوت میکند، همسر بیوه او را بدون اجازه اش به برادرش نکاح میکنند زیرا برای قوم گرا ننگ است که زن از خانه‌شان به خانه بیگانه برود در حالیکه اسلام می‌گوید هیچکس حق ندارد تا دختر باکره

و زن بیوه را بدون اجازه اش در عقد کسی شامل سازد

در نظام قومی و قبایلی همیشه دشمنی و انتقام است در حالیکه در اسلام عفو و بخشش است. درین نظام اگر کسی مریض می‌شود به او می‌گویند، «نصیب دشمنان»، یعنی شما باید همیشه دشمن داشته باشید. در اول نه می‌گویند خداوند شفاء دهد

زندگی قوم گرا هم‌هش قومی است و اسلام مطرح نیست مگر در دو حالت: یکی ازدواج زن دوم و سوم؛ و دوم حق میراث. درین دو حالت است که قوم گرا به اسلام رجوع می‌کند

به اساس احادیث جعلی و تفسیر غلط قرآن، قوم گرای مسلمان، اگر زن از خانه بدون اجازه بیرون رفت او را لت و کوب می‌کنند و حتی طلاق می‌گویند. همچو چیزی در متون دینی نیست مگر اینکه یک قوم گرا از خود تفسیر کرده باشد

قوم گرا همیشه فکر میکند که از زن خود کرده هوشیار تر است در حالیکه قرآن می‌گوید زن و مرد را از نفس واحد خلق کرده است و «درجه» که در قرآن آمده است یک انگاشت ریاضی است و حجم مغز مرد بزرگتر است نه اینکه عقل او بلند تر باشد

جامعه قومی و قبایلی مسلمان هرگز مدنی نه می‌شود زیرا در مدنیت گرای اسلامی چند رکن اساسی وجود دارد و آن عبارت است از اول حقوق مساوی افراد در مقابل قانون. دوم عدالت سر تاسری به شمول آنانی که مسلمان نیستند زیرا اسلام دین عدالت بشری است. سوم دین نباید بالای مردم تحمیل شود که این حکم قرآن است و اما دولت باید مراتب مدنی و سواد آموزی را از برنامه‌های اولیه خود سازد. چهارم برای تأمین عدالت قوانین جزا باید سنگین باشد و انفاذ قانون باشد. پنجم، آزادی های مردم به اساس قانون باید تصویب شود. در غیر آن قوم گرایان هیچ وقت آرزو ندارند که مساوی به دیگران باشند و یا زنان با مردان مساوی باشند. لذا همه کوشش‌ها برای یک جامعه فارغ از تعصب بی‌فایده است. یگانه راه، سواد آموزی عمومی و در کنار آن تدریس سواد آموزی مدنی است و هر عمل و عنعنه که با مساوات منافات داشته باشد باید لغو گردد. در جوامع قوم گرا قانون همیشه ناکام است زیرا مردم قوم گرا به تمرکز سیاسی و واحد سیاسی اعتقاد ندارند. تا وقتی با حکومت مرکزی همکاری میکنند که منافع قومی شان در خطر نیفتد. یک دلیل عمده که کشور های اسلامی دیکتاتوری و زور است برای این است که اقوام درین کشور ها به یک نظام ملی اعتقاد ندارند. ایران امروزی بسیار تفاوت دارد با اینکه عدالت سر تاسری وجود ندارد و مخصوصاً زنان با مردان از نگاه مدنی برابر نیستند و اما منحصیث یک نظام سیاسی بسیار کار شده است. راه حل دوام دار وجود دارد و اما در یک شب نه میتوان تغییر آورد همانا که مردم به تشبث خود تغییر کنند و ازین حالت خود را نجات دهند و درین صورت است که امکانات پیشرفت متصور است. همیشه ما می‌شنویم و میخوانیم که چرا کشور های اسلامی عقب مانده است. از نگاه انتروپولوژی دلیل عمده آن قوم گرای و قوم پرستی است

قرآن بسیار قشنگ می‌گوید خداوند حالت یک قوم را تغییر نه می‌دهد تا خود شان حالت خود را تغییر ندهند. همه تحولات اقتصادی و صنعتی در یک کشور قوم گرا به ناکامی می‌انجامد زیرا یک جامعه که با تبعیض، تعصب و تنگ نظری خمیر شده باشد امکان هر نوع پیشرفت مدنی را مسدود می‌سازد

مورخ دوازدهم مارچ 2017 .

ایالات متحده امریکا